



# آن سوی حکمت ظاهر

○ فهیمة غنی نژاد



○ نگرشی به حقایق باطنی  
اسلام و تائوئیسیسم  
○ رنه گنوز  
○ ترجمه دل آرا قهرمان  
○ نشر آبی، ۱۳۷۹، اول

نگرشی به حقایق باطنی اسلام و تائوئیسیسم، مجموعه مقالاتی است از رنه گنوز، اندیشمندی که آنچنان دل سپرده علوم مکتونه بود و «سنت ازلی» به سوی خود می کشانیدش که در میان مذاهب گوناگون، بی هیچ تعصب، آبی را ویژه می دانست که بیشترین بهره را از علوم مکتونه داشته باشد. بهتر است پیش از هر سخن، با توجه به سرآغاز کتاب، اندکی از رنه گنوز بگوئیم تا فهم مجموعه مقالاتش سهل تر شود.

رنه گنوز در سال ۱۸۸۶ میلادی در «بلوا»<sup>۱</sup> که شهر کوچکی از فرانسه است و در نزدیکی پاریس قرار دارد، به دنیا آمد. پدرش، آرشیتکت و مادرش، زنی از طبقه مرفه بود. زندگی سرشار از آرامش و موفقیت های درسی او، تا سن هجده سالگی ادامه داشت. از هجده سالگی، که برای ادامه تحصیل در رشته ریاضیات به پاریس رفت، شوری در سر و غوغایی در جانش افتاد که موفقیت های درسی را برایش حقیر کرد و ستاره مقصودی در برابر دیدگانش نشانده که همانا بنیادهای حقیقی سنت بود. برای رسیدن به مقصود، مکتب استادانی را درک کرد و خود نیز در این راه به مقاماتی معنوی رسید که از آن جمله، یکی مقام «سرورناشناس» وارث سنت ایودالودر<sup>۲</sup> در مکتب هرمتیک پایوس<sup>۳</sup> بود که تاثیر سنت ایودالودر در کتاب پادشاه جهان وی مشهود است؛



دین  
تاریک



و دیگر، عضویت و اشتغال در کلیسای گنوستیک و انتشار نشریه «گنوز»<sup>۴</sup> بود که در آغاز، ارگان رسمی کلیسای گنوستیک جهانی بوده است. با وجود این جستجوها، سرگشتگی های رنه گنوز تمامی نداشت و او همچنان خود را از ستاره مقصود دور می دید. سرانجام، خویش را و کوششهایش را از نفوذ کلیسا رها ساخت و از آن پس و بتدریج، ظهور رگه های شرق گرایی در نگاه و قلمش، هویتی ویژه به او بخشید و رفت تا وی را به دین اسلام معتقد سازد و با سنت تصوف مصری بیامیزد. دوستی با یکی دو شخصیت اهل تفکر، خاص و غیرمتعارف که به دین اسلام مشرف شده بودند، راهی را که وی در زندگی اعتقادی خویش در پیش گرفته بود، برایش کوتاهتر کرد و چون میانبری با دین اسلام و طریقت شاذلیه<sup>۵</sup> پیونش داد. کتاب نمادگرایی چلیبا<sup>۶</sup> که از معروف ترین آثار اوست به «خاطره ارزنده شیخ عبدالرحمن مغربی»<sup>۷</sup> تقدیم شده که از بزرگان اسلام و مشاهیر طریقت شاذلیه بوده است و از دیگر آثار او، نمادهای بنیادین<sup>۸</sup> است. رنه گنوز در سال ۱۹۵۱ میلادی در مصر درگذشت.

نگرشی به حقایق باطنی اسلام و تائوئیسیسم در بردارنده ده مقاله است که در مقاله «معرفت باطنی در اسلام» دو وجه مکمل مذهب یعنی حکمت



راز یا یک سر است بین صوفی حقیقی و الله، فرد می‌تواند خود را سالک بنامد، یعنی کسی که قدم در سیر و سلوک گذارده و در یکی از مراحل آنست».

صفحات ۳۱ و ۳۲

در مقاله «پوست و هسته (قشر و لب)» نیز که عنوان آن متعلق به یکی از مقالات محیی‌الدین ابن عربی<sup>۱۱</sup> است، همین مسئله حکمت ظاهری و حکمت باطنی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته، به رابطه میان آن دو که به رابطه میان پوست یا قشر بیرونی یک میوه و هسته یا قسمت درونی آن می‌ماند، پرداخته شده است. شریعت، «راه بزرگ» است که همه افراد انسانی می‌بایستی از آن بگذرند؛ و طریقت، «راه تنگ» است که تنها معدودی از انسانها، توان گذار از آن را دارند. آنها، انسانهایی هستند که قادرند مغز حقیقت را در کالبد ظاهر بیابند و به آن دست یازند. این توان و قدرت به هیچ وجه مبتنی بر قراردادهای از پیش تعیین شده و تقسیم‌بندی‌های مستدانه به نفع گروه خاصی نیست.

در مقاله دیگری که «فقر» نامگذاری گردیده، به ممکن الوجود پرداخته شده است و اینکه چنین موجودی - انسان یا غیر آن - فی نفسه و به طور قائم به خود، وجود ندارد و هر چه از بود او هست، در وابستگی کامل با ذات حق است. خودآگاهی نسبت به این وابستگی، همان «فقر معنوی» است که در طریقت‌های گوناگون وجود دارد و دارنده این فقر را از چشماندشت نسبت به هر مخلوق ممکن الوجودی بی‌نیاز می‌سازد و همچنین از ستیز با او دور می‌دارد:

«این تقلیل من شخصی که در نهایت جذب نقطه واحد شده و ناپدید می‌شود، همان فنا و همان خلو است که به آن اشاره شد. یا توجه به سمبولیسم چرخ، مسلماً حرکت موجودی که به مرکز نزدیک‌تر است، کمتر می‌باشد. «این موجود با هیچ موجود دیگری در ستیزه قرار نمی‌گیرد زیرا در نامتناهی مستقر است و در نامتین فانی شده است، نقطه‌ای که تضاد و برخوردی در آن نیست، یا تمرکز طبیعت خویش، با تغذیه روح حیاتی، با فراهم آوردن همه نیروهایش، او به ذات پیدایش پیوسته است. و چون طبیعت او تام است در وحدت ذاتی به جامعیت رسیده و چون روح حیاتی او دست نخورده مانده، هیچ موجودی نمی‌تواند به او لطمه بزند»».

صفحة ۶۷

مقاله پایانی کتاب که «تائوئیسم و کنفوسیائیسیم»<sup>۱۲</sup> نام دارد، نمایانگر اندیشه‌های نهایی او درباره فرهنگ و اعتقادات چینی است. تائو که مذهب فلسفی چین است، عمدتاً از کتاب تائو - ته - کینگ منسوب به لائو - تسه<sup>۱۳</sup> گرفته شده و جوانگ - تسه<sup>۱۴</sup> فیلسوف چینی که از پیروان لائو - تسه و اهل اصالت تصور و رازوری بوده و با برخی جنبه‌های تعالیم کنفوسیوس مخالفت می‌ورزیده، در تفسیر و توضیح آن، نقش بسیار داشته است. تائو، در معنای وسیع خود، عبارت از راهی است که امور طبیعی با خلاقیتی خود به خود و نظمی پی در پی بر آن حاکمند؛ و تائوئیست‌ها می‌بایستی از هر کوشش و تلاش بپرهیزند، تائوئیسم که رقیب مذهب کنفوسیوسی بوده و از قرن پنجم میلادی در قالب دین در چین گسترش یافته و خدایان متعدد و طریقت‌های رهبانی چند داشته است، هدف متعالیش دوری از وهم و غرور آرزوی نفس

در مورد لغت صوفی باید تاکید کنیم که هرگز کسی نمی‌تواند خود را صوفی بنامد، مگر آنکه جاهل محض باشد، زیرا این ادعا خود می‌رساند که او صوفی حقیقی نیست

تائو، در معنای وسیع خود، عبارت از راهی است که امور طبیعی با خلاقیتی خود به خود و نظمی پی در پی بر آن حاکمند؛ و تائوئیست‌ها می‌بایستی از هر کوشش و تلاش بپرهیزند

ظاهری<sup>۱۵</sup> و حکمت باطنی<sup>۱۶</sup> از یکدیگر متمایز و بازشکافته گردیده‌اند. حکمت ظاهری یا شریعت، به عموم مردم تعلق دارد و حکمت باطنی یا حقیقت، به افرادی خاص؛ و این به دلیل ماهیت پیچیده پندیده‌ها و اشیاء است که همه کس توان درک و شناخت ژرفایشان را ندارند. در واقع، شریعت، دستورالعمل برای تمامی افراد است و جنبه‌های اجتماعی دین را نیز دربر می‌گیرد؛ اما حقیقت، معرفت محض است که حکمت باطنی دربردارنده آن و هم راههای وصول به آن است. مجموعه همه وسایل و روشها، طریقت نام دارد که راهی است از شریعت تا حقیقت. گنون معتقد است که حقیقت، در هر مکان و هر زمان، و به هر زبان، مفهومی واحد دارد اما راههای وصول به آن می‌تواند به تعداد پویندگان آن راهها، متعدد و نیز متفاوت باشد. او بر این اساس، صوفیسم را جزئی اصلی، درونی و جلیبی ناپذیر از دین اسلام می‌داند، و نه مکتبی که بعدها برای کاملتر کردن این دین، در کنارش نشانده باشند. و در مورد صوفی اعتقاد دارد:

«در مورد لغت صوفی که صوفیسم از آن گرفته شده باید تاکید کنیم که هرگز کسی نمی‌تواند خود را صوفی بنامد، مگر آنکه جاهل محض باشد، زیرا این ادعا خود می‌رساند که او صوفی حقیقی نیست. این صفت الزاماً یک



حکمت ظاهری و حکمت باطنی به رابطه میان پوست یا قشر بیرونی یک میوه و هسته  
 وونی آن می ماند. شریعت، «راه بزرگ» است که همه افراد انسانی می بایستی از آن  
 بهره ببرند. طریقت، «راه تنگ» است که تنها معدودی از انسانها، توان گذار از آن را دارند. آنها،  
 حقیقتی را می بینند که قادرند مغز حقیقت را در قالب ظاهر بیابند و به آن دست یازند

۲- Blois.

۴- Saint - Yves - D'Alveydre.

۵- Papus.

۶- Gnose.

۷- شاخه‌ای از صوفیه که منسوب به ابوالحسن علی بن عبدالله شاذلی  
 هستند. وی که در سالهای ۵۹۳ تا ۶۵۶ هجری قمری می زیست و متولد  
 تونس و متوفی در مصر بود، در تونس و مصر و بسیاری از نقاط افریقای  
 شمالی و همچنین شام، مریدان و پیروان بیشمار داشت.

۸- Le Symbolism de la Croix.

۹- Les Symboles fondamentaux.

۱۰- Exoterisme.

۱۱- Esoterisme.

۱۲- از بزرگان و مشاهیر صوفیه که در سالهای ۵۶۰ تا ۶۳۸ هجری  
 قمری می زیسته است. محل تولد او اندلس و محل وفاتش، دمشق بوده  
 است.

۱۳- Confucius، بزرگترین فیلسوف و متفکر و رهبر دینی چین، که  
 افکارش تأثیری عمیق در تمدن همه آسیای شرقی داشته است. او در حدود  
 سالهای ۵۵۱ تا ۴۷۹ پیش از میلاد مسیح می زیسته است. کنفوسیوس،  
 صورت لاتینی کلمه چینی کونگ فو - تسو (Kung Fu = tzu) به معنی  
 «استاد کونگ» است. هدف اصلی و نهایی کنفوسیوس، اصلاح جامعه و  
 حکومت چین معاصر خود بود. آئین کنفوسیوس در حدود ۲۰۰۰ سال بر  
 اندیشه و فرهنگ چین مسلط بود و صفات ممتاز این آئین که بر تعقل و  
 انساندوستی و اخلاق منکی بود هیچگاه سستی نگرفت. دولت چین  
 کمونیست اگر چه بسیاری از اصول و مقررات و قوانین کنفوسیوس را لغو  
 کرد اما مانع نشر آثار کلاسیک او نشد و اعلام کرد که عناصر دموکراتیک  
 تمدن چین را که عمدتاً بر پایه اصول کنفوسیوسی استوار است، در بنای  
 فرهنگ جدید چین، داخل خواهد کرد (به نقل از: دایرةالمعارف فارسی، ج  
 ۲ (بخش اول). با نظر غلامحسین مصاحب و رضا اقصی، [تهران]: شرکت  
 سهامی کتابهای جیبی - مؤسسه انتشارات فرانکلین، ۱۳۵۶، ذیل مدخل  
 کنفوسیوس).

۱۴- Lao - tse، حکیم و فیلسوف بزرگ چینی که افکار و عقاید او  
 از لحاظ اهمیت و نفوذ و تأثیر در مردم چین فقط در ردیف بعد از کنفوسیوس  
 قرار دارد و در نظر مردم چین، بجز او کسی به پای لائو - تسه نمی رسد. وی  
 در حدود سالهای ۶۰۰ تا ۵۳۱ پیش از میلاد مسیح می زیسته و اصول عقاید  
 و افکارش در رساله تائو - ته - کینگ مضبوط است (به نقل از: منبع بالا،  
 صص ۲۴۵۲-۲۴۵۳).

۱۵- Chuang - tze.

۱۶- دایرةالمعارف فارسی، ج ۱، به سرپرستی غلامحسین مصاحب،  
 تهران: فرانکلین، ۱۳۴۵، ص ۵۸۷.

۱۷- Fo - hi.

۱۸- Triade.

تأثیرات مشابهت بیرونی بوده است. بعدها، کیمیا سازی و طلب و  
 جستجوی سیاحتی ظهور کرد. برای پیروان این مذهب، جاذبه پیدا کرد و  
 لائو تسو در این مقاله، به بیانگذاران دو نظریه مهم  
 و اساسی در فرهنگ و تفکر چین، یعنی لائو - تسه و کنفوسیوس، و  
 همچنین پیافادهای لائو تسو  
 اولی، بر ماوراءالطبیعه صرف اتکاء دارد و از این رو، همه معارف نظری و  
 سنتی بر آن متکی است؛ و دومی، به کاربردهای اجتماعی و حوزه های  
 عملی وابسته است. در «تائوئیسم و کنفوسیائیسم» گرچه هر دو دکتترین  
 مطرح گردیده اند اما نگاه آشکارا جانبدارانه گنون، تائوئیسم را در مرتبه ای  
 بس والاتر قرار داده است. در این نوشته، همچنین اشاره گردیده که تاریخ  
 چین از زمان «فو - هی» که نخستین امپراطور چین بوده است آغاز می شود  
 و علاوه بر آن، این نام، به مجموعه ای از معارف که جوهر سنت چین را به  
 وجود می آورند و نیز به کل یک دوران که چند قرن را شامل می شود هم  
 اطلاق می گردد. در همین نوشته، در مورد تشکل «تریاد» یا سه گانه  
 بزرگ، و نقش اساسی انسان در این تشکل، چنین آمده است:  
 «آسمان و زمین یا دو اصل مکمل که همه موجودات از آنها به وجود  
 آمده اند و انسان که به دلیل طبیعتش از هر دوی آنها سهمی دارد و حلقه  
 میانی این تریاد است یعنی واسطه ای است بین زمین و آسمان. فراموش  
 نکنیم که منظور، انسان حقیقی می باشد یعنی کسی که به بسط و توسعه  
 همه استعدادهای متعالی خویش نایل شده است و «می تواند به آسمان و  
 زمین در حفظ و تحول موجودات کمک کند و از این طریق با آسمان و زمین  
 نیروی سوم بسازد».

صفحة ۱۱۵

ترجمه فارسی نگرشی به حقایق باطنی اسلام و تائوئیسم، روان است  
 و توضیحات و ارجاعات مترجم که در پایان هر مقاله، تحت عنوان «ضمیمه»  
 و گاه به صورت زیرنویس آمده است، آشنایی بیشتر خواننده را با برخی  
 اصطلاحات به کار رفته، از طریق منابع و مراجع دیگر، ممکن می سازد. نکته  
 قابل تأمل اینکه، سال تولد نویسنده که در صفحه ۷ و همچنین پشت جلد  
 کتاب، ۱۸۸۶ ذکر گردیده، در قسمت فهرست نویسی شده آن، ۱۸۶۶ آمده  
 است. با توجه به هدف از فهرست نویسی پیش از انتشار کتابها بر اساس  
 اطلاعات فیبا، که همانا صحیح و یکدست کردن برگه های کتابخانه های  
 گوناگون با الگویی واحد و استاندارد است؛ و نیز با تکیه بر این امر که از دید  
 دست اندرکاران، تاکنون اصل بر صحت اطلاعات مندرج در برگه های  
 فهرست نویسی پیش از انتشار کتب بوده است؛ آیا از این پس، این اصل باید  
 مورد تردید قرار گیرد و کتابداران و محققان و خوانندگان می بایستی با  
 مراجعه به منابع و مأخذ متعدد و مختلف، خود راساً در پی کسب اطلاعات  
 مورد نیاز خویش باشند؟

پی نوشتها:

۱- Apercus sur L'esterisme islamique et le  
 taoisme.

۲- Rene Guenon.

